بچه‌ها فیلم غمگین دوست ندارند!

«مجید زین‌العابدین»، دبیر سی‌وپنجمین جشنواره‌ی فیلم کودک و نوجوان اصفهان بود. همشهری، با او گفت‌وگویی را ترتیب داد که در این‌جا به نکات مهم سخنانش اشاره می‌کنیم:

- این جشنواره، از طرفی، مخاطب را با سینمای کودک و نوجوان آشتی می‌دهد و از طرف دیگر، محل تجلی توانایی فیلم‌سازان ما در حوزه‌ی کودک و نوجوان و تصحیح نگرش‌های آن‌ها به فیلم کودک و نوجوان است.
- من خودم با برخی بچه‌هایی که در سالن سینما بودند، گفت‌وگو کردم. بچه‌ها خیلی زلال و شفاف، درباره‌ی فیلم‌ها و حتی درباره‌ی پلان‌ها و سکانس‌ها نظر می‌دهند. اگر فیلمی تلخ و غمگین باشد، اعلام می‌کنند که دوستش ندارند؛ چون با دنیای شاد و آزاد آن‌ها تناقض دارد و اگر فیلمی شاد باشد و پیام داشته باشد، شاد می‌شوند و پیامش را دریافت می‌کنند.
- به‌نظرم این جشنواره، تولیدات سینمای کودک و نوجوان را در سال‌های آینده ارتقا خواهد داد.
- من فیلم‌هایی را به فرزندانم توصیه می‌کنم که به بچه‌های من به‌عنوان بخشی از سرمایه‌های جامعه‌ی بزرگ و آینده‌سازان ایران، انگیزه‌ی موفقیت بدهد و انرژی نهفته‌ی آن‌ها را برانگیخته کند، نه این که آن‌ها را مأیوس و ناامید کند.
- به هر حال تولید برای سینمای کودک و نوجوان باید پشتوانه اقتصادی هم داشته باشد و این نیازمند حمایت همه‌ی نهادهای فرهنگی متولی در حوزه‌ی کودک و نوجوان است. امیدوارم همه‌ی نهادها، احساس مسئولیت کنند.

کارگاه‌های آموزشی

کارگاه‌های آموزشی جشنواره هم قابل توجه بود؛ کارگاه‌هایی که با حضور سینماگران مطرح ایرانی و خارجی برگزار شد و در ارتقای دانش حرفه‌ای سینمای ما اثرگذار بود. به‌طور مثال، نشست تخصصی «جایگاه ریتم در کارگردانی فیلم کودک» با حضور «عبدل فیفتی‌بایف» کارگردان، تدوینگر و تهیه‌کننده از کشور قزاقستان برگزار شد.

جشنواره، روز پیمان برای شکوفایی کودکان

محمدمهدی اسماعیلی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، در صفحه‌ی مجازی شخصی‌اش، پس از آیین آغازین جشنواره‌ی سی‌وپنجم نوشت: «نسل جدید ایران، نسلی طلایی است که سرمایه‌ی اجتماعی انقلاب را افزایش داده است. در افتتاحیه‌ی جشنواره‌ی کودک و نوجوان، گفتم که امروز، روز پیمان همه‌ی مدیران وزارت فرهنگ با این نسل نوساخته است و خود را متعهد می‌دانیم که برای شکوفایی استعداد هنری و نبوغ آن‌ها، شبانه روز بکوشیم.

سیدسروش طباطبایی‌پور / روزنامه‌نگار

سی‌و پنجمین جشنواره‌ی بین‌المللی فیلم کودک و نوجوان، با شعار «بچه‌ها! به سمت قله» پنج‌شنبه‌ی هفته‌ی گذشته به کار خود پایان داد و پروانه‌هایش را روی شانه‌های برگزیدگانش نشاند.

در این دوره از جشنواره که بعد از چهار سال وقفه، برگزار شد، دوباره فیلم‌هایی که برای کودکان و نوجوانان ساخته شده‌اند، در قاب نگاه بچه‌ها و داوران قرار گرفت و به همه‌ی ما یادآوری کرد که بچه‌ها هم به فیلم‌های خوب برای گروه سنی خودشان نیاز دارند؛ فیلم‌هایی که پر از عشق، امید، سادگی و هیجان کودکانه و نوجوانانه است. البته از نگاه کارشناسان، ۱۶۲ اثر کوتاه و بلند سینمایی این دوره، با نقدهایی هم همراه بود؛ اما برپایی این جشنواره و رونق‌بخشیدن به سینمای کودک و نوجوان، نعمتی است که باید آن را بزرگ داشت و به احترامش ایستاد. در این شماره‌ی دوچرخه، به سی‌وپنجمین جشنواره‌ی بین‌المللی کودک و نوجوان، نیم‌نگاهی می‌اندازیم و بخش‌های مختلف آن را بررسی می‌کنیم.

به بهانه‌ی برگزاری سی‌وپنجمین جشنواره‌ی بین‌المللی فیلم کودک و نوجوان اصفهان

پروانه‌هایی به دور شمع سینمای کودک و نوجوان

زحمات گروه دیده شد!

کم‌حوصلگی و بی‌صبری و سرعت از ویژگی‌های دنیای امروز است به همین دلیل خیلی‌ها حوصله‌ی تماشای فیلم‌های بلند با روایت‌های داستانی طولانی را ندارند. شاید به همین دلیل است که فیلم‌های کوتاه، در این روزها رونق گرفته‌اند.

جشنواره‌ی اصفهان، فیلم کوتاه «ده‌سالگی» به کارگردانی فاطمه جعفری را شایسته‌ی دریافت پروانه‌ی زرین بهترین فیلم کوتاه پویانمایی این دوره دانست. برنده‌ی این جایزه بیان کرد که گروه او برای ساخت این اثر کوتاه، زحمات فراوانی کشیده‌اند و دریافت این جایزه، به معنی دیده‌شدن این تلاش‌هاست.

فاطمه جعفری درباره‌ی فضای جشنواره هم گفت: «متأسفانه تنها در روزهای پایانی جشنواره حضور داشتم؛ اما شور و شوق برگزاری آن را هم در سطح شهر و هم در فضای رویداد میان بچه‌ها و فیلم‌سازان شاهد بودم که بسیار می‌تواند به فضای سینمای کودک و نوجوان کمک کند.»

این پویانمایی کوتاه، داستان پدر و پسری را روایت می‌کند که در یک جنگل زندگی می‌کنند. پدر، شکارچی است و از آن‌جا که پسرش در طول روز تنهاست، برای سرگرم کردن او، یک مرغابی زنده را برای او به خانه می‌برد و همین مرغابی، باعث تغییر نگرش پسر نسبت به محیط اطراف و ماجرای مرگ و زندگی می‌شود. این اثر، یک پویانمایی ۱۸ دقیقه‌ای است که با تکنیک استاپ‌موشن ساخته شده‌است و در حقیقت یک کار عروسکی هم محسوب می‌شود. تهیه‌کننده این کار کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان است.

سرنوشت بازیگران نوجوان!

پروانه‌ی زرین بهترین بازیگر کودک و نوجوان جشنواره، بر دوش «حدیث ابوصلقی» برای بازی در فیلم «سینگو» و «امیررضا اسماعیلی» برای نقش‌آفرینی در فیلم «ملکه آلیشون» نشست.

هنرنمایی حدیث ابوصلقی، فیلم سینگو را در جشنواره‌ی سی‌وپنجم، سر زبان‌ها انداخت. این فیلم در مناطق مختلفی از جزیره‌ی قشم فیلم‌برداری شده و زبان، پوشش و آداب و رسوم این منطقه را به تصویر می‌کشد. نکته‌ای که کارگردان این فیلم درباره‌ی بازیگر نوجوان این فیلم و دیگر بازیگران بومی فیلم‌های حوزه‌ی کودکان و نوجوانان طرح کرد هم قابل توجه است. علیرضا محمدی می‌گوید: «سؤال اصلی این است که بعد از اکران فیلم، چه بلایی بر سر بازیگر کودک می‌آید. مسئولان باید این استعدادها را حفظ کنند.»

در کنار قهرمان دختر فیلم، قهرمان مکمل پسری هم در فیلم حضور دارد که به شخصیت دختر خیلی کمک کرد.

این فیلم جایزه‌ی ویژه‌ی هیأت داوران این دوره از جشنواره را هم از آن خود کرد.

SINGO
DIRECTED BY ALIREZA MOHAMMADI

محله‌ی برو بیا!

آیین نکوداشت دو هنرمند فقید سینمای ایران، «آتیلا پسیانی» و «فردوس کاویانی» که برای کودکان ایران هم نقش‌آفرینی کردند، به برنامه‌های جشنواره اضافه شد. در مراسم اختتامیه، کلیپی از بازی این دو هنرمند در مجموعه‌ی تلویزیونی «محله‌ی برو بیا» در بخش نکوداشت جشنواره پخش شد و حاضران را تحت تأثیر قرار داد.

ایجاد بستر فیلم‌سازی

امیرحسین صدیق، بازیگر مجموعه‌ی تلویزیونی «تابه تا» درباره‌ی این جشنواره گفت: «هرسال در آستانه‌ی برگزاری جشنواره، مسائلی از جانب کارشناسان و اهالی هنر مطرح می‌شود و بعد از خاتمه‌ی جشنواره، کم‌تر مورد توجه قرار می‌گیرد. به‌نظرم باید بستری مناسب برای فیلم‌سازی دوباره‌ی بزرگان سینمای کودک ایجاد کرد تا انگیزه‌ی کار در سینمای کودک را به‌دست بیاورند.

دوره‌ی گذار به‌سوی موفقیت!

«علیرضا خمسه» و «مرضیه برومند» از ایران، «مونیکا واهی» از هندوستان، «یرژی موسکوویچ» از لهستان، «دراگان میلینکوویچ فیمون» از صربستان، «ملیکا زعیری» از فرانسه و «جون خوآنگ» از چین، اعضای هیئت داوران بخش فیلم‌های بلند بین‌الملل این دوره از جشنواره بودند.

یرژی موسکوویچ، داور لهستانی این جشنواره، درباره‌ی فیلم‌های حاضر در جشنواره‌ی کودکانه و نوجوانانه گفت: «من با این امید به ایران آمده بودم که شاهد فیلم‌هایی باشم که در اروپا قابل دسترس نیستند و خوشحالم که همان اتفاقی رخ داد که پیش‌بینی می‌کردم.

او ادامه داد: «البته باید بگویم که نتوانسته‌ام حضور در جشنواره را به خوبی تجربه کنم، چراکه به تماشای ۱۲ فیلم ظرف ۳ روز پرداختیم و فضای کلی رویداد را از دست دادم؛ اما ارزیابی من از نظر کیفی، پشت‌سر گذاشتن یک دوره‌ی موفق برای این جشنواره‌ی معتبر است.»

داوران کودک و نوجوان برای داوری فیلم‌های خودشان!

یکی از ویژگی‌های شاخص جشنواره‌ی سی‌وپنجم کودک و نوجوان، حضور داوران کودک و نوجوان بود؛ چیزی بیش از ۸۴۰ نفر داور کودک و نوجوان، فیلم‌ها را بررسی می‌کردند و نظر می‌دادند.

در این دوره از جشنواره، کودکان و نوجوانان ۸ تا ۱۶ سال، طی فرایندی برای داوری، در شهریور امسال انتخاب شدند. «صدیقه چگونیان»، مسئول کمیته‌ی داوران سی‌وپنجمین جشنواره‌ی بین‌المللی فیلم‌های کودکان و نوجوانان اظهار کرد: «متقاضیان کودک و نوجوان داوری، باید در آزمونی که از سوی ستاد اجرایی جشنواره برگزار شد، شرکت می‌کردند و پس از جذب، در کارگروه‌های مشخص و در کارگاه‌های آموزش داوری که برای آن‌ها برنامه‌ریزی و تعیین شده بود، حضور می‌یافتند و در نهایت، در سینماهای میزبان جشنواره، به داوری فیلم‌ها پرداختند.

ملکه آلیشون، فیلمی برای قدردانی از طبیعت!

پروانه‌ی زرین ویژه‌ی هیأت داوران، به فیلم «ملکه آلیشون» رسید؛ فیلمی که در دسته‌ی فیلم‌های تخیلی بود و «ابراهیم نوآور»، کارگردان آن، بیش از هشت سال برای ساختش وقت گذاشت. نوجوان‌هایی که دلشان برای محیط‌زیست پر می‌کشد، احتمالاً از تماشای این فیلم لذت می‌برند. داستان ملکه آلیشون، داستانی تخیلی و براساس تقابل میان خیر و شر است.

نوآور گفت: «این، نخستین فیلمی بود که ساختم. بازیگرهایی هم که انتخاب کردم، نخستین تجربه‌ی بازیگری را داشتند. موضوع دیگر این بود که چون بازیگران این فیلم، از سراسر کشور و با لهجه‌هایی متفاوت انتخاب شده بودند، مجبور شدیم برای یکدست‌شدن فیلم، آن را دوبله کنیم.»

نکته‌ی قابل توجه در این فیلم برگزیده، آن است که نوآور، بسیاری از کارهای فیلم را خودش انجام داده؛ از فیلم‌نامه و دکور و گریم گرفته تا صدابرداری و تدوین و موسیقی. در روزهای جشنواره و در دومین روز اکران این فیلم، در جلسه‌ی نشست با کارگردان این فیلم، یکی از نوجوانان از نوآور پرسید: «آیا هشت سال، ارزش ساختن این فیلم را داشت؟» و او پاسخ داد: «بله، صد درصد ارزش داشت. هدف من کودک و نوجوان است و ان‌شاءالله اگر عمری باشد، فیلم ساختن برای این گروه سنی را ادامه می‌دهم. برای بچه‌ها جان بدهیم کم است. من کار کودک را خیلی دوست دارم.»

بچه‌ها بازی‌های کامپیوتری را دوست دارند!

کودکان و نوجوانان، این روزها عاشق بازی‌های رایانه‌ای هستند و این موضوع را از انتخاب بهترین فیلم جشنواره‌ی اصفهان، از نگاه داوران کودک و نوجوان، می‌توان حدس زد؛ فیلمی با عنوان «ایلیا، جست‌وجوی قهرمان» به کارگردانی و تهیه‌کنندگی «سیدعلی موسوی‌نژاد» که درباره‌ی گیم و بازی‌های رایانه‌ای است.

شخصیت اول این فیلم بلند داستانی، پسری به نام آرش است که جزء چهار گیمر برتر جهان است. او درگیر مسابقه‌ای می‌شود که خانواده‌اش، آن را نهی کرده‌اند. موسوی‌نژاد می‌گوید: «براساس آمار، ما ۴۰ میلیون گیمر در کشور داریم که ۵ میلیون نفر آن حرفه‌ای هستند و بخش عمده‌ی آن‌ها، کودکان و نوجوانان‌اند. حالا سؤال این است که آیا وضعیت بغرنج کودکان و نوجوانان امروز و تأثیری که این بازی‌ها روی آن‌ها دارد بررسی شده است یا نه؟ او معتقد است ایلیا، جست‌وجوی قهرمان، فیلمی ضداسرائیلی است، چون بچه‌های حاضر در سالن جشنواره، وقتی دیدند که یک اسرائیلی ضربه خورده، در سالن نمایش فیلم شادی کردند. وی با بیان این که این فیلم در چهار شهر کاشمر، مشهد، تهران و قم فیلم‌برداری شده، اضافه کرد: «بازیگران فیلم کمی لهجه داشتند و با توجه به این که لوکیشن برای ما چندان مهم نبود، فیلم دوبله شد تا لهجه‌ها حذف شود.»

کرونا، قهرمان‌هایی را گرفت و قهرمان‌هایی را ساخت!

کرونا، یک‌بار دیگر به انسان مغرور یادآوری کرد که باید آینه‌ی خودبینی و غرور را بشکنی و سر تعظیم در مقابل طبیعت فرود آوری.

در این جشنواره، فیلم «قهرمان من» به کارگردانی «مرتضی آتش‌زمزم»، به موضوع کرونا پرداخته و توانست پروانه‌ی زرین بهترین کارگردانی و فیلم‌نامه را هم برای خود کند. آتش‌زمزم گفت: «دو هفته از شیوع کرونا در ایران گذشته بود که به این فکر افتادم من هم باید درباره‌ی کرونا فیلمی بسازم. به همین دلیل خودم را دو هفته قرنطینه کردم و قصه‌ی اولیه‌ی فیلم را نوشتم.»

او ادامه داد: «در دوران کرونا و با فداکاری تیم سازنده، این کار به سرانجام رسید و چون کاری دلی بود، رضایت زیادی از عملکردمان داریم. ما سعی کردیم در میان آن روزهای تلخ، نشان دهیم که باید قدر همدیگر را بیش‌تر بدانیم.» نکته‌ی جالب توجه در ساخت این فیلم، آن است که چون افراد بومی، در برابر دوربین بزرگ راحت نبودند، این اثر با دوربین تلفن همراه تصویربرداری شده‌است. حتی کارگردان این فیلم می‌گوید دیالوگی هم به بازیگران نمی‌داده و فقط قصه را برایشان تعریف می‌کرده تا آن‌ها با زبان خودشان جلوی دوربین حاضر شوند.

او ادامه داد: «قهرمان من» درباره‌ی کروناست؛ حافظه‌ی تاریخی بسیار تلخی که در جهان مشترک است و همه با آن درگیر بودیم. در روزهای همه‌گیری ویروس کرونا قهرمان‌های زیادی را دیدم و براساس دغدغه‌ام، «قهرمان من» را ساختم.»

گفت‌وگو با مرضیه برومند
کارگردان

بچه‌ها به تماشای فیلم نیازمندند!

مرضیه برومند، این روزها مدیرعامل خانه‌ی سینمای ایران است. او برای بچه‌ها فیلم‌هایی مثل «شهر موش‌ها»ی ۱ و ۲، «الو الو من جوجوام» و «مربای شیرین» را کارگردانی کرده و نویسنده، بازیگر، تهیه‌کننده و صداپیشه‌ی نام‌آشنایی است. مهم‌ترین بخش‌های صحبت او درباره‌ی جشنواره‌ی سی‌وپنجم، از این قرار است:

- سینمارفتن، یک آیین است؛ همراه بودن، باهم رفتن، باهم خندیدن، باهم تجربه‌کردن، باهم اشک ریختن، باهم دادزدن! [این موضوع‌ها]، به نزدیک‌شدن بچه‌ها به هم کمک می‌کند و هیچ‌چیز، جایگزین این تجربه‌ی مشترک نیست.
- سینمای کودک حتماً نیازمند حمایت است وگرنه این سینما در این اوضاع و احوال اکران، دوام نمی‌آورد.
- ۹ ماه از سال، مخاطبین سینمای کودک، در اختیار آموزش و پرورش هستند و بچه‌ها تنها سه ماه فرصت دارند تا همراه خانواده، سینما بروند و این در حالی است که به‌خاطر مشکلات معیشتی و گرانی، نخستین مواردی که از سبد خانوارها حذف می‌شود، چیزهایی مثل فرهنگ، هنر، سینما، موسیقی، کتاب و... است.
- تماشای فیلم‌های سرگرم‌کننده، البته باز هم برای بچه‌ها مفید است، اما آن فیلم‌ها برای بچه‌ها ساخته نشده و بسیاری از مضامین آن‌ها، مناسب بچه‌ها نیست. ما باید برای بچه‌ها، علاوه بر فیلم‌های سرگرم‌کننده، محصولاتی مناسب این گروه سنی تولید کنیم؛ آن هم محصولاتی مناسب بچه‌های امروز، نه بچه‌های دیروز!
- این روزها باید برای بچه‌ها، فیلم‌هایی درباره‌ی عشق، انسانیت، عدالت‌خواهی، حق‌طلبی ساخت و از خشونت و تبلیغ آن، پرهیز کرد.
- کشور ما به گونه‌های مختلف سینما احتیاج دارد که یکی از آن‌ها سینمای کودک است. ما الآن در سینما، فیلم‌هایی مثل «خواهران غریب» (فیلمی به کارگردانی زنده‌یاد کیومرث پوراحمد) کم داریم که همه‌ی خانواده باهم، به تماشایش می‌رفتند و با هم لذت می‌بردند.